



ریاض پس از افزایش ریزنی ها برای حل اختلاف با قطر، می خواهد حريم هوايي اش را به روی این کشور باز کند

# عقب نشینی سعودی از شرط و شروط



**فرهیختگان** برخی منابع روز گذشته اعلام کردند، براساس توافق آشتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، عربستان قرار است حريم هوايي خود را به روی قطري ها باز کند و در مقابل قطر نیز از شکایت هایی که در دادگاه های بین المللی مطرح کرده، صرف نظر کند. این اخبار پس از آن منتشر می شود که در روزهای گذشته اظهاراتی به نقل از مقامات آمریکایی و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس درباره توافق اولیه عربستان و قطر برای پایان دادن به بحران چندساله منتشر شده است. براساس گزارش شبکه «ان بی سی» آمریکا، محور اصلی توافق آشتی شورای همکاری خلیج فارس از سرگیری پروازهای قطر به عربستان و در ازای آن صرف نظر کردن قطر از شکایت هایی است که در دادگاه های بین المللی مطرح کرده

## بنزین روی آتش

از سال ۱۹۷۱ که قطر توانست از تحت حمایت بودن بریتانیا خارج و استقلال پیدا کند، همواره با یک برادر قلدر عربی به نام عربستان سعودی مواجه بوده است. ریاض، پس از مصر و عراق در جهان عرب رقیبی برای خود متصور نبودند؛ مصر پس از انور سادات جلال و شکوه خود را از دست داد و عراق نیز با حمله به کویت و شکست سختش، همه داشته هایش را از دست داد تا نوبت حکمرانی به آل سعود در ریاض برسد. تقریباً همه کشورهای عربی نیز با توجه به وجود حرمین شریفین در عربستان، رابطه مستحکم ریاض با آمریکا و ثروت نامحدود این کشور رهبری عربستان بر جهان عرب را پذیرفته بودند. در بین این کشورها، خاندان «آل صباح» در کویت تلاش می کرد در این امور دخالت و ادعایی نداشته باشد، اما

«آل ثانی»ها در قطر مثل برادران کویتی شان نبودند. آنها از سال های نخست استقلال درگیر اختلافات مرزی با عربستان شدند و این اختلافات به مرور و با نقش آفرینی مستقل دوحه در مسائل بین المللی، تخم حسادت و دشمنی با قطر را در دل پادشاهان سعودی کاشت. تا اینکه در سال ۲۰۱۴ آن نفرت و دشمنی سرباز کرد. عربستان و امارات که خود از حامیان اصلی گروه های تروریستی در نبرد سوریه بودند، با همراهی بحرین، قطر را به دلیل حمایت از اخوان المسلمین و گروه های پیکارجوی افراطی در جنگ سوریه، مورد مواخذه قرار دادند و در ماه مارس ۲۰۱۴ به صورت هماهنگ سفرهای خود را از دوحه فراخواندند. این اختلافات حدود ۳ ماه بعد پس از اینکه ریاض متوجه شد توان چندانی برای تربیت

همسایه سرکشش ندارد، با مذاکرات طرفین، فروکش کرد اما هیچ گاه ریشه آن خشکیده نشد. با قدرت گرفتن بن سلمان جوان و بی تجربه در عربستان او به دنبال بهانه ای برای یکسره کردن باغی گری های دوحه بود. آل ثانی هم تلاش می کرد بهانه ای به دست ولیعهد جوان سعودی نهد. وضع همین طور ادامه داشت تا اینکه در ۲ خرداد ۹۶ بلافاصله پس از پایان اجلاس کشورهای عربی با حضور امیر قطر که ترامپ نیز در آن شرکت داشت و قرار بود به راهبرد انزوای ایران منجر شود، خبرگزاری قطر اظهاراتی از شیخ تمیم، امیر قطر در یک مراسم نظامی، منتشر کرد که او ایران را وزنه مهم و قدرتی بزرگ و ضامن ثبات در منطقه دانسته و حماس را نیز نماینده فلسطینیان خوانده بود. بالینکه امیر قطر در چنین

- ۱- تمامی کانال های کمک مالی به اشخاص و گروه ها با سازمان هایی که توسط عربستان، امارات، مصر، بحرین و آمریکا و سایر کشورها نام گذاری تروریستی شده اند متوقف شود.
- ۲- اعضای سپاه پاسداران را از قطر اخراج کند و هرگونه همکاری مشترک با ایران را متوقف کند. تنها تجارت و بازرگانی با ایران که مغایر تحریم های آمریکا و بین المللی نباشند مجاز خواهند بود.
- ۳- تمامی روابط با سازمان های تروریستی به ویژه با اخوان المسلمین، داعش، القاعده و حزب الله لبنان را قطع کند و رسماً این نهادها را به عنوان گروه های تروریستی اعلام کند.
- ۴- ایستگاه الجزیره و شعب آن را ببندد.
- ۵- شعب خبری که قطر کمک مالی مستقیم یا غیرمستقیم می دهد شامل عرب ۲۱ و رصد (Rassd) و العربی الجدید و میدل ایست ای را ببندد.
- ۶- به حضور نظامی ترکیه در قطر سرعاً خاتمه بدهد و هرگونه همکاری نظامی مشترک با ترکیه در قطر را پایان بدهد.

## ۱+۱۲ شرط

پس از خروج آمریکا از برجام، مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا شروطنی ۱۲ گانه را برای ایران تعیین کرده بود تا پس از عمل به آن ایران امکان مذاکره با آمریکا را داشته باشد. این مجموعه شروط به شکلی بودند که حتی اگر تهران تمایل نسبی به اجرای آن داشت نیز قابل اجرا نبودند. کشورهای عربی ای که قطر را تحریم کردند، نیز یک مجموعه شروط غیر قابل تحقق را لیست کردند. این شروط یک ماه بعد از آغاز التهاجات، رسانه ای شد و عربستان، امارات، بحرین و مصر یک لیست از تقاضاهای خود را به کویت دادند تا آن را به امیر قطر برای اجرا ارائه کند. حتی اگر قطر می خواست نیز توان اجرای این مطالبات را نداشته است. به عنوان نمونه سپاه پاسداران هیچ ارتباطی با دوحه نداشت ولی ۴ کشور خواسته بودند نیروهای سپاه از این کشور خارج شوند. این ۱۳ شرط به شرح ذیل بود:

۱- تمامی روابط دیپلماتیک خود را قطع کند و تمامی دفاترش را در ایران

## قطر و ایدئولوژی قابل انتشار

ریاض هم این را به خوبی می داند و تلاش می کند تا با احیای روابط، از بی اعتباری خودش کم کند و فضا برای ترویج ایدئولوژی اخوانی را به دوحه نهد. در میان کشورهای عربی، در عمان فرقه اباضیه (شاخه ای از خوارج) حاکم است و به دلیل انزواطلبی، قابلیت انتشار و تهدید دیگران را ندارد. کویت به نسبت دیگر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس فضای بهتری از نظر سیاسی دارد و گروه های فکری نیز در آن وجود دارند اما هیچ کدام در سطح ایدئولوژی مطرح نیستند. بحرین و امارات نیز اساساً خالی از فضای اندیشه ای هستند. در این میان، دو کشور در میان شیخ نشین های خلیج فارس دارای ایدئولوژی های قابل انتشار هستند. عربستان با استفاده از وهابیت در صدد افزایش نفوذ خود در جهان اسلام است و قطر نیز با وجود پیروی از وهابیت اما از نظر سیاسی با حمایت از اسلام سیاسی در قالب تفکرات اخوانی به دنبال افزایش نفوذ در جهان اسلام است. عربستان سعودی دیدگاه های اخوانی را تهدیدی برای خود و ایدئولوژی وهابیت می داند. از این جهت نیز قطر بیشتر به ایران و ترکیه شباهت دارد. ایران دارای قرائت خاص خود از اسلام سیاسی است که در قالب محور مقاومت در منطقه حضور دارد و ترکیه نیز با استفاده از ظرفیت های اخوانی در سرزمین های عربی به دنبال کسب نفوذ است. قطر نیز در هم پیمانی با ترکیه در حال حمایت از تفکرات اخوانی است. این در حالی است که دیگر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس از ایدئولوژی قابل انتشار برخوردار نبوده و از تفکر خاصی نیز در منطقه حمایت نمی کنند.

## توافق احتمالی چقدر جدی است؟

اگر کمک های ایران و ترکیه نبود، قطر ناچار می شد در کمتر از چند هفته پرچم سفید صلح را بالا ببرد و امپراتوری بن سلمان در جهان عرب تحقق پیدا می کرد. این اتفاق نیفتاد تا در آستانه پایان دولت ترامپ. او که نتوانست هیچ ائتلاف عربی علیه ایران در قالب تناوی عربی ایجاد کند، به فکر مصالحه بین قطر با عربستان و کشورهای همسو با آن شد. روز جمعه فیصل بن فرحان، وزیر امور خارجه عربستان سعودی در نشست بین المللی که به صورت آنلاین برگزار شده است، با اشاره به اینکه: «در چند روز گذشته پیشرفت چشمگیری مشاهده شده است، رویکردی در این نزدیکی شدن به توافق نشان داده است. همچنین شیخ محمد، وزیر امور خارجه و معاون نخست وزیر قطر، در توییتی نوشت: «یک گام اساسی برای حل بحران برداشته شده است». پیش از این تغییر دیدگاه عربستان، رسانه ها ادعا کردند کویت و آمریکا برای رفع اختلاف میان عربستان سعودی و قطر همکاری هایی داشته اند. کوئینر، داماد و مشاور ارشد رئیس جمهور آمریکا تا چهارشنبه گذشته بارها به عربستان و قطر سفر کرده ولیعهد عربستان سعودی و امیر قطر را به توافق ترغیب کرده بود. رسانه های این تلاش ها را در راستای همکاری در افزایش فشار بر ایران تفسیر می کنند. آنها باز کردن حريم هوايي برای قطر را در همین چارچوب تحلیل می کنند چرا که می توانند چندده میلیون دلار درآمد غیرنفتی ایران را که به واسطه عبور هواپیماهای قطری از آسمان ایران به تهران می رسد قطع کند. اما آیا در شرایطی که قطر ایران را دشمن خود تلقی نمی کند و حتی از تهران به عنوان عنصری برای مهار زیاده طلبی های ریاض کمک می گیرد حاضر به تقابل با تنها بازیگر مطمئن دوحه در کنار آنکارا خواهد شد؟ پاسخ مشخص است. قطر به خوبی می داند که اساساً تهران دشمن مشترکی نیست که حول آن یک ائتلاف شکل بگیرد و از دشمنی های داخلی بکاهد.

## قدرت نرم قطر

در میان کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس سه کشور دارای بازوهای رسانه ای هستند. عربستان سعودی، امارات و قطر. عربستان و امارات تا حدودی با یکدیگر در عرصه رسانه ای همکاری داشته یا حداقل موضوعی مشابه یکدیگر دارند اما قطر به شبکه الجزیره مسیر متفاوت را نسبت به این دو کشور پی گرفته است. عربستان سعودی و امارات در حوزه رسانه با وجود توانایی در خبرسازی هیچ گاه نتوانسته اند نفوذی مانند قطر به دست بیاورند. در حالی که قطر در شبکه الجزیره سیاست هوشمندانه ای را پی گرفت و سعودی ها و اماراتی ها از شبکه های خود تنها به عنوان شیپور تبلیغات بهره گرفته و جنبه های روانی و نفوذ نرم را نادیده گرفتند. یکی از شروط کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از قطر در محاصره سال ۲۰۱۷ تعطیلی شبکه «الجزیره» بود. این مساله می تواند موفقیت و تأثیرات جدی این شبکه بر مخاطبان را نشان دهد. قطر در حالی با استفاده از شبکه الجزیره و دیگر ابزارهای خود مانند حمایت از پژوهشگردهای جهانی به قدرت نرم تبدیل شده است که دیگر کشورهای عرب منطقه خلیج فارس در این امر به دستاورد زیادی نرسیده اند. این مساله خود نشانگر یکی دیگر از ابعادی است که باعث پیچیدگی روابط عربستان سعودی با قطر شده است. به عبارت دیگر می توان گفت روابط قطر و عربستان از بسیاری از شاخص های متاثر است که بر روابط عربستان با ایران و ترکیه نیز اثر گذار است. رقابت های قومی و سرزمینی، حمایت از ایدئولوژی های قابل انتشار و توانایی در زمینه قدرت نرم باعث شده تا ماهیت روابط قطر با عربستان بسیار پیچیده شود. این روابط به سادگی قابل ترمیم نیست به خصوص زمانی که قطر از هیچ کدام از مواضع خود عقب نشینی نکرده است. با وجود آنکه در خواست های عربستان و دیگر کشورهای محاصره کننده قطر در سال ۲۰۱۷ بسیار زیاده خواهانه بودند اما در سال ۲۰۲۰ تمام این کشورها که حتی مصر ۱۰۰ میلیون ریال نیز در بر می گیرد مجبور به عقب نشینی از خواست های خود در برابر قطر کوچک هستند. این مساله با ارتقای بخشی به قدرت قطر در حوزه های ادراکی ضرایب شدیدی به وجهی این کشورها وارد کرده و اضرای بر ناتوانی آنهاست.

## گزارش

### محمد میرشکاری

دانشجوی ارشد مطالعات خاورمیانه

بررسی سیاست های دولت دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در غرب آسیا نشان دهنده تغییرات قابل توجهی در مقایسه با سیاست های دولت باراک اوباما، رئیس جمهور سابق است. اتفاق فکر دونالد ترامپ درصدد تقویت نقش و جایگاه منطقه ای رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی و انزوای راهبردی جمهوری اسلامی ایران بوده است. به نظر می رسد این دستورکار بیش از آنکه یک راهبرد منسجم باشد، بیشتر واکنش هایی مقطعی، موردی و پراکنده از کاخ سفید در مواجهه با تحولات غرب آسیاست؛ رویکردی که به اعتقاد بسیاری، بدون در نظر گرفتن پیامدهای استراتژیک بلندمدت آن از سوی دولت ترامپ در حال پیگیری است. ترامپ از ابتدای ریاست جمهوری خود استراتژی «فشار حداکثری» علیه ایران را در سطوح اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی پیش

## مساله ادراک جامعه از جایگاه منطقه ای ایران

برد، یکی از اهداف اساسی آمریکا برای به چالش کشیدن ایران، ایجاد بحران در جایگاه و نفوذ جمهوری اسلامی در غرب آسیا است. محور عبوری غربی با خلق بحران های منطقه ای و «امنیتی سازی» موضوع ایران و همکاری با کشورها مرتجع منطقه مانند کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و شعیده بازی های رسانه ای سیاسی توانستند موضوع «جمهوری اسلامی ایران» را به یک «ابر بحران» برای کشورهای غرب آسیا تبدیل سازند و از کنار این دستاورد، ائتلاف های جدیدی در منطقه ضد ایران به وجود بیاورند تا ایران را در تنگنا قرار دهند. اقداماتی که به دنبال بازنمایی ایران به عنوان سوپه ای تاریک در منطقه و ترسیم ابعاد هیولایی از سوی دستگاه ذهنیت ساز و تصویر ساز سه گانه آمریکا-عربستان رژیم صهیونیستی است. از این جهت بخش حیاتی اقدامات دشمن معطوف به ادراک

«فشار حداکثری» فضا به سود محور مقاومت در حال تغییر بوده است؛ مقاومت ملی یمن از تجربه و مهارت کافی برای مواجهه جدی با ریاض برخوردار شده است؛ حماس با وجود مخالفت ترکیه در حال ترمیم جدی روابط با سوریه است؛ غرب دیگر به سقوط اسد فکر نمی کند و حالا این دمشق است که برای آنها شرط و شروط می گذارد. مقاومت لبنان به یکی از قدرتهای بلامنازع لبنان تبدیل شده است و حتی فرانسوی ها نیز با وجود دشمنی ای که با مقاومت اسلامی دارند، نتوانسته اند قدرت و نفوذ مردمی آن را در لبنان انکار کنند. از همه مهم تر جمهوری اسلامی ایران با تمام فشارهای خارجی، توانسته نبض منطقه را کماکان در دست داشته باشد. بر اساس آنچه منابع غربی نوشته اند مهم ترین برگ برنده انقلاب اسلامی، مردم است و دشمن تلاش دارد در قالب یک جنگ ترکیبی (هیبریدی) و با جدا کردن مردم، این آورده مهم و ظرفیت عظیم انقلاب اسلامی را از کشور بگیرد و حوزه ادراکی و شناختی باورهای مردم ایران نسبت به توان و امنیت کشور را تغییر دهد.

اما بخش هایی از افکار عمومی از صبر مقتضی برای نتیجه بخشی «صبر استراتژیک» برخوردار نیستند و به همین دلیل، دچار اشتباه محاسباتی شده و توان ارزیابی تحولات به صورت صحیح را از دست داده و مسحور بازی های رسانه ای علیه ایران می شوند. با وجود اینکه بیش از دو سال از سیاست «فشار حداکثری» ترامپ و همچنین بحران آفرینی محور عبوری عربی برای منزوی سازی رسانه ای و ادراکی دشمن، فرای صحنه واقعی موجود هستند و به همین دلیل تصویری واقعی از توانمندی کشورمان در منطقه ندارند. «صبر استراتژیک»، «غافل گیری» و «ضربه دوم»، سه تاکتیک ویژه ایران در بحران ها بوده است؛ همان قدر که عنصر اول زمینه را برای آشفته سازی محاسبات دشمن مهیا می سازد، دو استراتژی بعدی این امکان را به وجود می آورد تا ایران بازی را به نفع خود تغییر دهد.